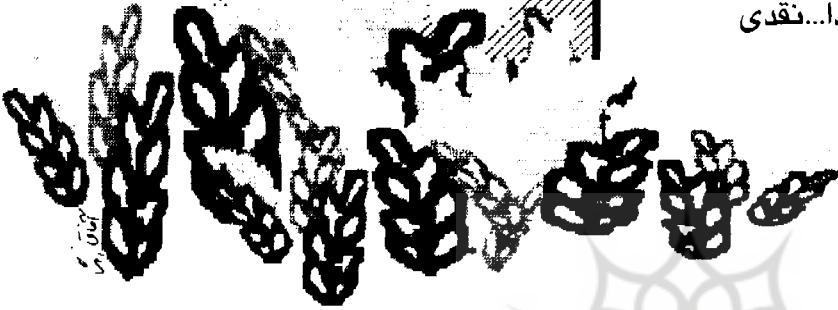


بحران غذا

حال و آینده

■ اسدا... نقدی



● مقدمه

بشر نیازهای گوناگونی دارد، در تقسیم‌بندیهای رایج از نیازهای آدمی، نیازهای فیزیولوژیک یا جسمانی (غذا - مسکن - پوشاک و ...) از اولویت و اهمیت خاصی برخوردار است (مازلو) و در سلسله مراتب نیازها در رتبه و پلکان اول قرار می‌گیرد. در طول تاریخ تمدن، قسمت عمده‌ای از تکاپوهای بشری، صرف تأمین، تهیه و رفع نیازهای جسمانی او شده است تا جایی که در جهان امروز، به دلیل شرایط و ویژگیهای انسان ماشینی شده، دیری نمی‌باید تا به عنوان یگانه نیاز آدمی مطرح گردد.^(۱)

هر آنچه بشر تولید می‌کند، اعم از دانش و معرفت تا تولید مواد غذایی و... در جهت برآورد نیازهای خویشتن است. هر گاه تعادل بین تکاپوی بشر برای انواع نیازها یا حداقل تناسب این تلاشها برقرار باشد، جامعه‌ای متعادل و پویا خواهیم داشت، در غیر این صورت، جامعه با عدم توازن و تعادل روبرو خواهد شد. در جوامع اولیه، امکان بهره‌برداری از مواهب طبیعی (که بشر کاری بر روی آن انجام نداده بود تا بابت آن مثلی یا وجهی مطالبه کند) برای عموم، اگر نه آزاد، ولی مقدور بود. بایشرفت جوامع به سوی صنعتی شدن و پس از آن اسیر نظام سرمایه‌داری شدن، بر اساس منطق "تولید برای مصرف و مصرف برای تولید

دوباره" فاصله انسانها برای تمتع از نعمات عطا شده بیشتر و بیشتر شده، فاصله بین غنی و ضعیف عمیق‌تر گردید، به این ترتیب، بشر و اکثریت مردمان زمین، به دلیل افراط معدودی دیگر، در بلگان اولین نیازها دچار بحران و ایستایی شدند و فرصتی برای پرداختن به امورات دیگر و نیازهای بالاتر نیافتند. آن عده معدود نیز چنان غرق در نعمات مادی و جاذبه‌های عیش و اسراف شدند که از مراتب بالاتر غافل ماندند. در این مقاله به گوشه‌هایی از این شکاف و دو قطبی شدن جهان (جهان مسلح و جهان گرسنه) خاصه با موضوعیت غذا و امنیت و تولید مواد انرژی زا می‌پردازیم.

موضوع تغذیه در جهان امروز بر خلاف همه پیشرفتهای تکنولوژیک و بهبود سیستمهای تولید و بهره‌برداری، به عنوان یک معضل جهانی مطرح است و سوءتغذیه به عنوان یکی از وخیم‌ترین مصائب بشر پابرجاست. امروزه موضوع گرسنگی و سوءتغذیه در جهان، میلیونها نفر را درکام نابودی کشانده است، چنانچه در سال ۱۹۸۱ پنجاه میلیون نفر در اثر سوء تغذیه و گرسنگی مرده‌اند، این بیس از تمام تلفات و کشته‌های جنگ جهانی دوم بوده است. البته این موضوع در نقاط مختلف جهان و کشورهای مختلف یکسان نبوده است. قربانیان اصلی کمبود مواد غذایی،

سکنه مناطق کمتر توسعه یافته هستند. تنها در قاره آسیا، بیش از ۲۵ میلیون نفر گرسنه وجود دارد، وضع در قاره سیاه! آفریقا از این هم بدتر است.

زنان و کودکان از این بلای انسانی بیشترین آسیب را می‌بینند. طبق گزارش یونسف، در سال ۱۹۸۱، در کل جهان، صد میلیون کودک گرسنه بوده‌اند، طبق گزارشهای موثق، ۸۶ درصد از مرگ میرهای ناشی از سوء تغذیه و گرسنگی است. برآورد شده است تا سال دو هزار میلادی، تعداد گرسنگان حدود یک میلیارد نفر می‌شود. این در حالی است که بیشترین تعداد جمعیت و رشد آبی آن متعلق به مناطق کمتر توسعه یافته جهان می‌باشد.

۷۰ درصد از کل جمعیت جهان در سال ۱۹۵۰، در کشورهای د حال توسعه بوده که این نسبت در سال ۱۹۸۰ به ۷۶ درصد افزایش یافته است. بیش بینی‌ها، حاکی از این است که در سال ۲۰۰۰ حدود ۸۰ درصد کل جمعیت جهان در این مناطق مستقر خواهند بود. متأسفانه رشد جمعیت جهان، هیچگونه تناسبی با رشد امکانات تولید مواد غذایی ندارد. در یک صد ساله اخیر، جمعیت جهان بیش از همه طول تاریخ بشریت افزایش پیدا کرده است. رشد سریع پیشرفتهای علمی و پزشکی، بهبود سطح زندگی و ... باعث افزایش سرسام‌آور جمعیت جهان گردید و تنها

در عرض یک قرن، بیش از دو برابر شد. در ۱۸۵۰ جمعیت جهان ۱/۱۷۱/۰۰۰/۰۰۰ نفر بوده است که در ۱۹۵۰ به ۲/۵۱۶/۰۰۰/۰۰۰ نفر رسید و از ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ باز هم دو برابر شد و به حدود ۵/۳۲۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر رسیده است.^(۲)

اگر بپذیریم که رشد تولید مواد غذایی هم به همین آهنگ بوده است باز هم مشکل اصلی لاینحل باقی خواهد ماند، زیرا مشکل توزیع ناعادلانه امکانات و تولیدات و اختکار تولید جهانی، در دست "غولهای غلات"^(۳) جهان، مانع از تولید عادلانه مواد غذایی، بین ساکنان کره زمین خواهد شد. چنانچه در حال حاضر نیز چنین است و اگر چنین نبود، تعداد گرسنگان جهان که بالغ بر ۶۰۰ میلیون نفر، با افزایش روزافزون است، واقعیت خارجی پیدا نمی‌کرد. غولهای غلات جهان بیش از ۸۰ درصد فروش جهانی را در دست دارند (ر.ک. جدول شماره ۱). هر چند باید توجه داشت که به قول جمعیت شناسان رشد جمعیت به صورت تصاعد هندسی است، در حالی که رشد تولید مواد غذایی بصورت عددی انجام خواهد می‌گیرد.

حتی در بین کشورهایی که به عنوان صاحبان انبارهای غله جهان هستند نیز، همه سهم برابر از "غارت خوان نعمت طبیعت" نمی‌برند، کشور آمریکا در تولید و صادرات گندم، استراتژیک‌ترین غله جهان، و برنج و غلات درجه دوم در دنیا حرف اول را می‌زند و سهم بیشتر و لذا حاکمیت بیشتری دارد، اگر گندم و نقش آن را در معادلات سیاسی بین‌المللی با نفت به عنوان ماده حیاتی مورد نیاز صنعت مقایسه می‌کنند، این قیاس بسیار بجاست، اگر توجه داشته باشیم که آمریکا و "پیروان نظم نوین جهانی" بالاترین میزان تسلط بر این دو منبع را (گندم و نفت) در جهان دارند، اوضاع بیشتر وخیم و بحرانی نمایان می‌شود.

بنابراین اگر از بحران انرژی و منابع و مواد غذایی سخن گفته می‌شود باید به این کشورها توجه بیشتری شود، آنهایی که عامل اصلی تز "تیم دیگر می‌میرند!" هستند.

در یک جمع‌بندی نهایی، علل و عوامل ایجاد و خلق بحران تغذیه و گرسنگی در جهان را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد.

الف - رشد جمعیت

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، آهنگ رشد جمعیت جهان به اندازه‌ای بوده است که در یک صد سال اخیر، جمعیت جهان چندین برابر شده است و این را در تاریخ بشر بی‌سابقه می‌دانند. کاهش مرگ و میر و افزایش امکانات بهداشتی و پزشکی و... در این مهم بسیار مؤثر بوده است و جالب این که بیشترین مقدار رشد جمعیت متوجه فقیرترین کشورهاست.

در اینجا لازم است برای یادآوری بگوییم که متأسفانه آهنگ رشد جمعیت در ایران کنونی، نزدیک به دو برابر آهنگ افزایش جهانی بوده است. کارشناسان جمعیتی، برآورد کرده‌اند که در سه چهارم دهه اخیر، به طور میانگین، جمعیت ایران بیش از ۳ درصد در سال، افزایش یافته است، این موضوع مشکل بسیار جدی است و توجه عمیق تری را طلب می‌کند. در حال حاضر، به گفته مدیر اجرایی صندوق بین‌المللی مهار جمعیت، سالانه ۸۶ تا ۹۰ میلیون نفر، به جمعیت جهان افزوده می‌شود، در حالی که به گفته وی منابع کره زمین تنها برای ۳/۵ میلیارد نفر کفایت می‌کند.^(۴)

ب - عدم توزیع عادلانه مواد غذایی

گفتم که انبارهای غله جهان در انحصار غولهای جهان است که پنهان از چشم گرسنگان جهان، به احتکار و حتی نابودی مواد غذایی برای جلوگیری از کاهش قیمت‌ها و حاکمیت بر بازار و سرنوشت مصرف کنندگان، دست می‌زنند. به طور مثال برخلاف ۱۱/۸ درصدی برنج و ۱۱/۸ درصدی رشد تولید گوشت و

تقریباً رشد تولید اغلب مواد غذایی به دلیل عدم تناسب با رشد جمعیت و مهمتر از آن توزیع ناعادلانه مواد تولید شده، همواره شاهد افزایش تعداد گرسنگان جهان بوده‌ایم.

چنانچه مشاهده می‌شود تنها پنج غول غله جهان، حدود هشتاد درصد غله جهان را در انحصار و اختیار خود دارند و به عبارت ساده‌تر امکان حیات و ممت هشتاد درصد از مردم جهان را در اختیار خود دارند و به روشهای مختلف، از این سلاح برنده در مسائل سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و اجتماعی بهره‌بردار می‌کنند. اگر مجموع جمعیت این کشورها را محاسبه کنیم و آن را با امکانات غذایی که در اختیار دارند مقایسه نماییم، اوج بحران به روشنی قابل لمس خواهد بود که اقلیتی از مردم جهان، مالک نامشروع اکثریت امکانات جامعه بشری شده‌اند.

ج - توزیع نابرابر خودکفایی و امنیت غذایی

چون شرایط اقلیمی، سطح علمی و فنی تولید و مسائل جمعیتی در جهان کمتر پیشرفته از وضع مناسب و مطلوبی برخوردار نیست، لذا طبیعی است میزان وابستگی غذایی در این جوامع، بالاتر بوده و به تبع آن، خودکفایی غذایی در سطح پایینی قرار داشته باشد (جداول بعدی نمایانگر این مطلب است). هرچه خودکفایی غذایی در یک منطقه یا جامعه کمتر باشد و وابستگی بیشتری از این نظر به خارج داشته باشد، امنیت غذایی آن جامعه در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرد.

جدول ۱: میزان صادرات پنج کشور بزرگ صادر کننده غلات^(۵)

واحد: میلیون تن

کشور	۱۹۷۷ درصد	۱۹۷۸ درصد	۱۹۷۹ درصد
کل صادرات جهان	۱۷۰/۴	۱۸۷	۲۰۴
صادرات آمریکا	۷۶/۸	۹۴	۱۰۳
صادرات کانادا	۱۸/۹	۱۹/۶	۱۶/۹
صادرات آراژتین	۱۶/۳	۱۲/۹	۱۴/۷
صادرات فرانسه	۱۱	۱۴/۸	۱۷
صادرات استرالیا	۱۲/۹	۹/۸	۱۵/۴

در این جدول منظور از مواد غذایی غلات، گیاهان ریشه‌ای و غده‌ای و حبوبات است و منظور از خودکفایی، به عنوان نسبتی از تولید داخلی به مصرف داخلی برآورد و تعریف شده است.

البته باید توجه داشت که تنها خودکفایی مواد غذایی کافی نیست، بلکه در درون خودکفایی، مسأله توزیع مواد غذایی بین مناطق شهری-روستایی و بین اقشار و طبقات مختلف، در مقیاس ملی، دچار اشکالات فراوانی است به این معنی که مناطق و اقشار مختلف از نسبت‌های بسیار متفاوت خودکفایی و امنیت غذایی برخوردار هستند.

امنیت غذایی را می‌توان امکان دسترسی همیشگی تمامی افراد به غذای کافی به منظور برقراری زندگی سالم و فعال تعریف کرد، بنابراین هرگونه گرسنگی و سوءتغذیه را می‌توان ناامنی غذایی دانست. (۸)

د- شرایط اقلیمی

مهمترین زمینه مورد نیاز برای تولید مواد غذایی زمینهای مستعد، منابع آب کافی و دسترسی به سایر عوامل تولید است، اما بیشترین تعداد جمعیت در مناطق خشک و حاره‌ای که زمینهای کم استعداد و باران سالانه بسیار کم دارند، استقرار یافته‌اند. می‌دانیم که حدود یک سوم از محصولات کشاورزی جهان، از ۱۷ درصد از زمینهای حاصلخیز آبی به عمل می‌آید که عمدتاً در مناطق و کشورهای برخوردار، قرار دارند.

استفاده‌های مکرر و بدون وقفه از زمینها (بدون آیش) به دلیل نیاز به تولید محصول و کمبود زمینهای قابل کشت در جهان سوم، سبب شده است تا راندمان

تولید در واحد سطح، بسیار پایین باشد. براساس برآوردهای سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی FAO تا بیست سال آینده ۱۴۰ میلیون هکتار زمین مزروعی بر اثر فرسایش خاک از چرخه باروری خارج می‌شود، ۱۲۰۰ سال باید بگذرد که این مقدار خاک ترمیم شود و قابلیت‌های ازدست رفته خود را باز یابد.

در همین حال، یافته‌های آماری نشان می‌دهد، در هر ساعت، ۱۵۰۰ هکتار از جنگلهای جهان نابود می‌شود، اگر روند فروپاشی جنگلهای ادامه یابد تا سال ۲۰۰۰ میلادی ۸۰ درصد جنگلهای جهان با خاک یکسان خواهد شد و تأسف آور این که، مناطق محروم و کمتر توسعه یافته جهان، بیشترین مقدار تخریب و فروپاشی را دارند.

هـ) توزیع نابرابر علم و تکنولوژی

شاید نابرابری از ویژگیهای عصر حاضر است، حتی در برخورداری از علم و تکنولوژی، عموماً سطح تکنیک در نظامهای بهره‌برداری از منابع در جهان سوم در کنار عوامل و شرایط طبیعی ذکر شده، میزان بهره‌وری را در حداقل آن نگه می‌دارد، در مناطق برخوردار با استفاده از تکنیک پیشرفته، مبارزه با آفات، بذور و گونه‌های اصلاح شده و ... میزان برداشت از واحد سطح یا واحد دامی حتی با فرض مشابه بودن سایر شرایط، بسیار بیشتر است. ولی در جهان سوم به دلیل عدم برخورداری از سطح علمی و فنی تولید که خود معلول سایر شرایط و از جمله فرار مغزهاست، امکان بهره‌گیری از روشهای مدرن بهره‌برداری از منابع آب و خاک وجود ندارد.

● ۷۰ درصد از کل جمعیت جهان در سال ۱۹۵۰، در کشورهای در حال توسعه بوده که این نسبت در سال ۱۹۸۰ به ۷۶ درصد افزایش یافته‌است. پیش بینی‌ها، حاکی از این است که در سال ۲۰۰۰ حدود ۸۰ درصد کل جمعیت جهان در این مناطق مستقر خواهد بود.

● آهنگ رشد جمعیت در ایران کنونی، نزدیک به دو برابر آهنگ افزایش جهانی بوده‌است. کارشناسان جمعیتی، برآورد کرده‌اند که در سه چهار دهه‌ی اخیر، به طور میانگین، جمعیت ایران بیش از ۳ درصد در سال، افزایش یافته‌است، این موضوع مشکل بسیار جدی است و توجه عمیق‌تری را طلب می‌کند.

و) معادلات سیاسی

در ایجاد بحرانهای غذایی جهان، هرگز نباید دستهای پنهان کنترل، توزیع و انحصار منابع غذایی جهان را از نظر دور داشت. آنها نه فقط برانبارهای غله جهان که بر انبارهای اسلحه و پیشرفتهای علمی جهان و ... نیز حاکمند و هر وقت بخواهند می‌توانند با انواع روشها و آشوبهای منطقه‌ای و بین‌المللی به این بحرانها دامن بزنند و هستی ناچیز ملت‌های محروم را به نابودی بکشانند، حکومت‌های ملی را ساقط کنند، آتش جنگ‌های قومی و برادر کشی را برافروزند و به طور خلاصه، نطفه‌های بحران را باور سازند.

جدول ۳: توزیع فراوانی ۱۱۳ کشور از نظر وضعیت امنیت غذایی ۱۹۸۸ (۷)

منطقه	وضعیت امنیت غذایی	بالا	متوسط	پایین	جمع
آسیا		۱۲	۶	۵	۲۳
کشورهای جنوب صحرای آفریقا		۲	۲۲	۲۱	۴۵
خاور نزدیک و شمال آفریقا		۷	۲	۴	۱۳
آمریکای لاتین و حوزه کارائیب		۹	۱۶	۷	۳۲
جمع		۳۰	۴۶	۳۷	۱۱۳
کشورهای کم توسعه یافته		۲	۱۸	۲۲	۴۲

جدول ۲: خودکفایی منطقه‌ای مواد غذایی ۱۹۸۶-۱۹۸۸ و ۱۹۶۷-۶۵ (۶)

منطقه	۱۹۸۶-۸۸	۱۹۶۷-۶۵
آسیا	۹۶	۹۷
آسیا (به جز هندوچین)	۹۹	۹۴
جنوب صحرای آفریقا	۹۸	۹۳
خاور نزدیک و شمال آفریقا	۹۲	۷۶
آمریکای لاتین و کارائیب	۱۱۲	۹۳
جمع ۱۱۴ کشور	۹۸	۹۵
کشورهای با کمترین توسعه یافتگی	۱۰۰	۹۵

با مشاهده ارقام جدول فوق، متأسفانه مشاهده می‌گردد که پس از گذشت ۲۰ سال، در اغلب نقاط جهان، کمبود مواد غذایی (علیرغم پیشرفتهای فنی و تکنولوژیک) افزایش پیدا کرده است و تقریباً در هیچ منطقه‌ای شاهد کوچکترین کاهش نیستیم. هرچند در قاره آسیا و خاور نزدیک وضع بهتر از بقیه نقاط است و رشد قابل ملاحظه‌ای در کمبود مواد غذایی مشاهده نمی‌شود.

براساس گزارش بانک جهانی در حدود یک میلیارد و صد و شصت میلیون نفر فقیر در کشورهای در حال توسعه به سر می‌برند که از این تعداد ۶۳۰ میلیون نفر، دچار فقر مطلق هستند. همچنین، یونسکو در زمینه شکاف بین کشورهای فقیر و غنی در سال ۱۹۶۰ اعلام کرد که ۲۰ درصد جمعیت مرفه کشورهای رشد یافته، در مقایسه با توده‌های فقرزده جهان سوم، ۳۰ برابر برخوردارتر از امکانات رفاهی و تغذیه‌ای مناسب‌تر بوده‌اند و در سال ۱۹۸۹ این فاصله به ۶۰ برابر افزایش یافته است.

متأسفانه، برخلاف تلاش‌های به ظاهر نوع دوستانه، صلح‌جویانه و مساوات‌طلبانه، شاهد افزایش فقر، ناامنی غذایی، تخریب و از بین رفتن پتانسیلهای طبیعی تولید مواد غذایی و به تبع اینها، قربانی شدن خیل عظیمی از هموعان خود هستیم، از همه بدتر، گذشت زمان هیچ بهبودی را در مقیاس بین‌المللی، نشان نمی‌دهد.

● نتیجه‌گیری

در این مقال مختصر، کوشیدیم تا تصویری از وضع تغذیه با همه وحشتناکی و زشتی‌اش در جهان ارائه کنیم و علل و عوامل به وجود آورنده آن را در حد امکان یادآوری نماییم.

جدول ۴: تعداد کشورهای دارای کمبود غذایی به تفکیک مناطق^۱

مناطق	سال	۱۹۶۵-۶۷	۱۹۸۶-۸۸
آسیا		۱۹	۱۹
جنوب صحرای آفریقا		۲۸	۴۱
خاور نزدیک و شمال آفریقا		۱۱	۱۲
آمریکای لاتین و منطقه کارائیب		۲۶	۲۷
جمع کل		۸۴	۹۹
کشورهای دارای کمترین توسعه		۲۷	۳۸

بنابراین جا دارد که بقول ویلی برانت، در کتاب جهان مسلح و جهان گرسنه، تنها به از میان برداشتن نشانه‌های بحران اکتفا نکنیم.

در حال حاضر، مواد غذایی کافی در جهان تولید می‌شود. عرضه این مواد نیز، از بسیاری از سالهای گذشته بیشتر است و ذخیره‌سازی بین‌المللی آنها نیز افزایش یافته است، با این حال، هنوز شاهد قحط و غلاهای وحشتناکی در مناطقی چون آفریقا هستیم که در هر دقیقه به دلیل نبود آب پاکیزه و غذای کافی، سی کودک جان می‌سپارند.^{۱۰}

این کره خاکی در تملک هیچ گروه و کشور خاصی نیست تا با محروم کردن دیگران از نعمات یا به بیگاری کشیدنشان، قوت لایموت را از آنها دریغ نمایند. امروز سرنوشت جهان، بسته به تشریک مساعی، نه شعاری که به صورت شعور همگانی دارد، خاصه از سطح بین‌المللی و بویژه از طرف کشورهای شمال و آنها که بر روی انبارهای غله جهان آرام تکیه زده‌اند، اگر شمار کودکان فوت شده از کم غذایی که به گفته دبیرکل یونسف تنها در سال ۱۹۸۴ سالانه ۱۵ میلیون نفر روزانه ۴۱ هزار نفر و هر دقیقه ۲۸ نفر^{۱۱} بوده است افزون هم شود آب از آب شان تکان نمی‌خورد، نیازمند تجدید نظر در تقسیم‌خوان نعمت جهان است و کلام آخر آنکه:

نه با گرسنگی جهان می‌توان بازی کرد، نه از آن می‌توان چشم پوشید و با چشم بندی و معجزه هم نمی‌توان آن را از میان برداشت، تنها با تلاش و کوشش فراوان است که چیرگی بر آن حاصل می‌شود.^{۱۲}

● براساس برآوردهای سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی FAO تا بیست سال آینده ۱۴۰ میلیون هکتار زمین مزروعی بر اثر فرسایش خاک از چرخه باروری خارج می‌شود، ۱۲۰۰ سال باید بگذرد که این مقدار خاک ترمیم شود و قابلیت‌های از دست رفته خود را باز یابد.

حدود یک میلیارد و صد و شصت میلیون نفر فقیر در کشورهای در حال توسعه به سر می‌برند که از این تعداد ۶۳۰ میلیون نفر، دچار فقر مطلق هستند.

منابع و مآخذ

- ۱) دن مورگان، غولهای غلات، ترجمه امیر حسین جهانبگلو، نشر نو
- ۲) اسعدی - دکتر حسن، بحران جهانی غذا
- ۳) فصلنامه علوم اجتماعی، دوره اول زمستان ۷۱ بهار ۷۲، شماره سلسل ۲۱۴ ص ۱۵ - ۱۸
- ۴) ویژه‌نامه روز جهانی غذا، ترجمه احمد گل‌دوت، ناشر سازمان خواروبار کشاورزی جهانی
- ۵) زاهدی عبقری، ابراهیم و کسانی، زهره، فقر و روستا (مجموعه مطالعات اقتصاد کشاورزی و توسعه)، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۳
- ۶) اقتصاد کشاورزی و توسعه (ویژه‌نامه جمعیت و نیروی انسانی)، سال دوم، زمستان ۷۳ ص ۱۰۵ - ۱۲۵
- ۷) نقدی - اسد... "روشهای تعیین نیازهای آموزشی روستاییان"، مجله جهاد، شماره ۱۷۱، بهمن اسفند ۱۳۷۳
- ۸) ویلی برانت، جهان مسلح، جهان گرسنه، ترجمه هرمز همایون پور، چاپ دوم انتشارات انقلاب اسلامی ۱۳۶۶

پی نوشت‌ها:

- ۱) اسد... نقدی، مجله جهاد، شماره ۱۷۱، اسفند و بهمن ۱۳۷۳ ص ۳۳
- ۲) آمار فوق از فصلنامه علوم اجتماعی، دوره اول، زمستان ۷۱ و بهار ۷۲ ص ۱۸ - ۱۵ اخذ شده است
- ۳) عنوان کتابی است از دن مورگان و اشاره است به پنج غول غله جهان (کارگیل، کنتینتال، لوتی دریفوس، سانج و آندره)
- ۴) روزنامه مشعری ۱۶ تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱
- ۵) غولهای غلات دن مورگان، نشر نو، ص ۱۱۲
- ۶) مجموعه اقتصاد کشاورزی و توسعه شماره ۷ ص ۳۶
- ۷) همان، ص ۲۷
- ۸) اقتصاد کشاورزی و توسعه سال دوم، زمستان ۱۳۷۳ ص ۱۱۱
- ۹) همان منبع ص ۳۶
- ۱۰) ویلی برانت: جهان مسلح، جهان گرسنه ترجمه هرمز همایون پور، چاپ دوم انتشارات انقلاب اسلامی ۱۳۶۶ ص ۱۰۰
- ۱۱) همان ص ۱۱۱
- ۱۲) همان ص ۱۱۰